

زنده‌تر از همیشه

معرفی چند سریال موفق ۲۰۲۲

مروا موسوی: هنوز به نیمه سال ۲۰۲۲ هم نرسیده‌ایم و کلی سریال و مینی سریال دیدنی برای تماشا در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد. فهرستی که در ادامه می‌آید، تنها تعدادی از این آثار را پوشش می‌دهد. شبکه‌های تلویزیونی و سرویس‌های استریم، زنده‌تر از همیشه، دارند به کار خود ادامه می‌دهند.



۱۸۸۳ (1883)

مینی سریال «۱۸۸۳» به‌عنوان پیش‌درآمدی بر سریال محبوب «یلو استون» ساخته شده است. تیلور شردین، مرد اول «یلو استون» و «۱۸۸۳»، به‌هیچ‌وجه با وسترن بیگانه نیست. او پیش از این فیلمنامه‌نویس وسترن جنایی دیدنی «گر از آسمان سنگ ببارد» را نوشت و «رودخانه باد» (فیلمی که شردین با فیلمنامه‌ای از خودش و با بازی جرمی رنر ساخت) هم رگه‌های آشکاری از وسترن در خود داشت به‌طوری که خیلی‌ها آن فیلم را هم یک نتو وسترن تلقی کردند. با توجه به کیفیت بالای دو فیلم ذکر شده، طبعاً حضور شردین در صف اول تولید یک مجموعه کوتاه در ژانر وسترن به‌تنهایی آن قدر کنجکاوی برانگیز است که بتواند سینما و ستان و طرفداران وسترن را ترغیب به تماشا کند. این مجموعه داستان نسل پس از جنگ‌های داخلی خانواده‌ای بنام داتون را دنبال می‌کند که با ترک تنسی به تگزاس سفر کرده و به قطار واگن مهاجر اروپایی می‌پیوندند که سفر سختی را به سمت غرب طی می‌کند. دیدگاه پوچ‌گرایانه قابل‌ردیابی در این مجموعه با استفاده از احساسات‌گرایی و کم‌دی رقیق تلطیف شده است. این مجموعه که بین دسامبر ۲۰۲۱ و فوریه ۲۰۲۲ پخش شد، گزینه خوبی برای تماشاگرانی است که به دنبال محصول و فضایی کاملاً متفاوت با دیگر آثار روز می‌گردند.



بری (Barry)

«بری» (که حالا سومین فصل آن در حال انتشار است) کم‌دی – درام جنایی تیره‌وتاری است که داستان مردی قاتل را روایت می‌کند که بعد از نقل مکان به لس‌آنجلس، وارد صحنه هنر تئاتر شهر می‌شود. دو فصل اول این مجموعه مجموعاً ۶ جایزه امی را تصاحب کردند (بیل هدر برای بازی در نقش اصلی مجموعه، برای هر دو فصل جایزه امی را برده) و این انتظار وجود دارد که فصل سوم هم بتواند موفقیت دو فصل قبلی را تکرار کند. این در حالی است که دو فصل اول در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ منتشر شدند و فصل سوم با وقفه‌ای سه ساله در حال انتشار است. آن چه فصل سوم «بری» را حساسی هيجان‌انگیز می‌کند این حس است که شخصیت اصلی حالا به نقطه‌ای بی‌پازگشت رسیده است: ضدقهرمان داستان زیر صخره‌های گیر کرده که با خودش را از آن جا بیرون کشیده یا همان جا دفن می‌شود. مطابق معمول، در این فصل هم همه چیز تیره‌وتار به‌نظر می‌رسد اما «بری» این کلیه مسلکی را معمولاً به‌شکلی هوشمندانه بانوعی تمسخر صنعت سرگرمی و بادبالی‌گ‌ها و رویکردی جذاب و چندبعدی به‌مانند می‌کند. در چنین فضایی، وقتی بری عاجزانه می‌گوید «من به هدفی نیاز دارم»، ناگهان با لحظه‌ای شکننده از خود آگاهی یک قاتل ظاهر آبی‌رجم رویه‌رو می‌شویم. رفت‌وبرگشت میان فضاها و لحن‌های مختلف، همان چیزی است که «بری» را به مجموعه‌ای تبدیل کرده که ارزش تماشا دارد.



زیر پرچم بهشت (Under the Banner of Heaven)

این مجموعه کوتاه (مینی سریال) جنایی توسط داستین لسن بلک و بر اساس کتابی با همین عنوان نوشته جان کراکاوئر پدید آمده است. اندرو گارفیلد نقش اصلی این مجموعه را بر عهده دارد و سم ورتینگتن، دیزی ادگار جونز و وایات راسل او را همراهی کرده‌اند. «زیر پرچم بهشت» با الهام گرفتن از یک ماجرای واقعی ساخته شده: داستان قتل هولناک زنی به نام برندا لافرتی و دختر پانزده ماهه‌اش، اریکا در سال ۱۹۸۴ ساخته شده است. حدوداً یک دهه پیش، این داستان قرار بود در قالب یک فیلم سینمایی به تصویر درآید اما سرانجام در قالب یک مجموعه کوتاه ساخته و تا امروز با واکنش‌های مثبتی روبه‌رو شده است. «زیر پرچم بهشت» اثری تأثیرگذار در مورد افراط‌گرایی مذهبی (در این جا به‌طور خاص، فرقه مورمونسم)، عواقب آن و اتفاقاتی است که ایمان آدم را به بوت‌آزمایش می‌گذارد. اندرو گارفیلد در این مجموعه نقش جب‌پایر را بازی می‌کند؛ کارآگاهی که مأمور تحقیق در مورد این قتل می‌شود. او در ابتدا به کشفیاتی می‌رسد که بعداً معلوم می‌شود صرفاً لایه‌ای سطحی از رمز و راز فاجعه رخ داده است. هر چه جلوتر می‌رویم، با کشف جزئیات بیشتر و نگران‌کننده‌تر، ماجرا پیچیده‌تر شده و کار آگاه داستان بیشتر و بیشتر با تزلزل عقاید خودش مواجه می‌شود. نقطه ورود مجموعه به داستان باعث شده تا سازندگان بتوانند برخی از سنت‌های آثار پلیسی را اجرا کرده و برخی دیگر را زیر پا بگذارند. در مواردی تغییرات مداوم زاویه دید ممکن است گیج‌کننده به‌نظر برسد و همین‌طور است فلاش‌بک‌هایی که به رهبران مورمون‌ها زده می‌شود. اما در بیشتر موارد، سرعت و لحن «زیر پرچم بهشت» مناسب روایت چنین داستانی است. در این میان اندرو گارفیلد در نقش اصلی درخششی خیره‌کننده دارد – به این دقت کنید که شانه‌های او به‌مرور و با پیشروی داستان چطور در حال افتادن است. او تصویر کاملاً متقاعدکننده‌ای از آدم مؤمنی نشان داده که به تدریج متوجه می‌شود که شیوه زندگی او ممکن است آن قدرها هم که فکر می‌کرده خالص نباشد. هراسی که به تدریج در این شخصیت رخنه می‌کند، به تماشاگر هم منتقل می‌شود.

